

نقش زرتشتیان کرمان در آموزش و پرورش نوین ایران



زهره احمدی پور

دانش آموخته کارشناسی ارشد ایران‌شناسی
دانشگاه شهید بهشتی

چکیده

آموزش و پرورش یکی از مهم‌ترین اصولی است که در دین زرتشتی به آن سفارش شده است؛ به نحوی که کمک به هم‌نوع در راه علم و تربیت، به‌عنوان یکی از اقسام سه‌گانه خیرات در وندیداد مطرح می‌شود. پس از ایجاد آموزش و پرورش به سبک نوین که به‌دنبال اصلاحات افرادی چون امیرکبیر، در ایران شکل گرفت؛ زرتشتیان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین گروه‌های اجتماعی کرمان که پس از اصلاحات نماینده پارسیان هند -مانکجی لیمجی هاتریا- جان تازه‌ای گرفته بودند، اقدامات اساسی در حوزه آموزشی کرمان پدید آوردند.

این پژوهش بر آن است که با بیان اقدامات فرهنگی زرتشتیان، علاوه بر نشان دادن جایگاه و نقش ایشان در حوزه آموزشی کرمان، اهداف ایشان را از ارائه این خدمات مورد بررسی قرار دهد. در این راستا، پس از مرور تاریخچه آموزشی ایران خصوصاً در مورد زرتشتیان در کرمان، اقدامات فرهنگی ایشان در تاریخ معاصر کرمان با استناد به منابع کتابخانه‌ای، اسناد و مشاهدات میدانی به روش توصیفی جمع‌آوری شده است.

واژگان کلیدی

زرتشتیان کرمان، آموزش و پرورش، مدارس زرتشتی.

(۱) مقدمه

به باور ایرانیان، پدر و مادر در ثواب اعمال نیک و بد فرزندانشان شریک هستند. بنابراین تلاش می‌شود که کارهای نیک بر کارهای اشتهاب و بد فرزند، فزونی داشته باشد. از اینجا، اهمیت آموزش و پرورش فرزندان نمایان می‌شود. آموزش و پرورش به معنای عام، ذهن را به‌طور ناخودآگاه به سمت سواد خواندن و نوشتن -آموزش در مدارس- می‌کشاند؛ اما باید توجه داشت در قرون گذشته با توجه به کمبود امکانات، آموزش و پرورش طفل معطوف می‌شد به نان‌آور ساختن کودک و تعلیم یک سری از اصول و معارف دینی که در خانه یا مکتب‌خانه صورت می‌گرفت.

در مکتب‌خانه‌ها، آموزش به شیوه نوین صورت نمی‌گرفت و خواندن و نوشتن فقط در حد قرآن یا چند کتاب فارسی با نثری دشوار محدود می‌شد که زیر نظر روحانیون مسلمان بود و عملاً دختران و اقلیت‌های دینی از آن محروم می‌شدند یا اگر می‌توانستند وارد مکتب‌ها شوند، حق اظهار نظر نداشتند و چه بسا در پایان دوره تحصیل، دین خود را عوض کرده، مسلمان می‌شدند. بنابراین دین‌مردان اقلیت‌های دینی همچون زرتشتی، یهودی و مسیحی برای حفظ موجودیت خود، سیستم مکتب‌خانه‌ای جداگانه درست کردند و کتاب‌های دینی خود را به کودکان هم‌کیش خود آموزش دادند.

در کرمان به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ایالت‌های ایران، مدرسه‌های بزرگی همچون مدرسه قطبیه توسط ترکان خاتون (قرن ۷ق)، مدرسه گنجعلی‌خان (قرن ۱۱ق)، مدرسه ابراهیم‌خان (قرن ۱۲ق) و... ساخته شده بود؛ اما این مدارس بیشتر جنبه مذهبی داشتند و برای آموزش و تبلیغ دین و مذاهب مورد نظر بنیان ساخته شده بودند. پس از آنکه آموزش نوین در ایران دوره ناصری و با ایجاد مدرسه دارالفنون توسط امیرکبیر در تهران آغاز شد؛ در کرمان نیز همچون سایر شهرستان‌های ایران، جایگزینی مکتب‌خانه‌ها با مدارس جدید با روند کندتری به نسبت پایتخت، صورت گرفت. در این میان، مدارس که به همت زرتشتیان در کرمان ایجاد شد، از شهرت قابل توجهی برخوردار گشت.

در این پژوهش، سعی شده است با روش کتابخانه‌ای و استناد به اسناد و مدارک تاریخی موجود، به این سؤال که نقش زرتشتیان در آموزش و پرورش دوران معاصر کرمان و هدف ایشان از ایجاد مدارس و مشاغل آموزشی در کرمان چه بوده؛ پاسخ داده شود.

می‌دانیم زرتشتیان با ایجاد مدارس در دو مقطع دبستان و دبیرستان برای دختران و پسران، حمایت مالی از این مدارس و پرورش مربیان، مدیران و آموزگاران زرتشتی؛ نقش مهمی در تاریخ آموزش و پرورش کرمان داشته‌اند و هدف ایشان از این اقدامات، بالا بردن جایگاه اجتماعی خود و ترویج فرهنگ مسالمت‌آمیز زندگی در کنار سایر ادیان، بدون توجه به گرایش مذهبی بوده است. این سبب شد مردم کرمان که بیشتر مسلمان بودند، زرتشتیان را همچون برادران خود از سایر اقلیت‌های مذهبی گرامی‌تر بدانند و به نیکی از ایشان یاد کنند.

در این پژوهش، سعی شده تمامی مطالب بر اساس منابع معتبر نگاشته شود؛ بنابراین کتاب‌ها، اسناد، مقالات و مصاحبه‌ها - که در بخش کتاب‌نامه عرضه شده - بخشی از زیربنای این پژوهش را نشان می‌دهد. امید است این پژوهش که بازتاب مختصری از خدمات زرتشتیان در حوزه آموزش و پرورش کرمان است، بتواند توجه و علاقه به پژوهش‌های عمیق‌تری در این زمینه پدید آورد.

۲) پیشینه، ضرورت و روش تحقیق

بی‌تردید بررسی جایگاه و نقش زرتشتیان در آموزش و پرورش کرمان، شامل تاریخچه آموزش و پرورش در ایران و نیز تمایز شیوه‌های سنتی و نوین است و این موضوع بازه زمانی طولانی مدتی را در بر می‌گیرد. با این وجود، به دلیل منابع موجود، تأکید این پژوهش بیشتر بر تاریخ معاصر کرمان است.

در این پژوهش، سعی شده بیشتر به منابع تاریخ محلی کرمان و منابع زرتشتی رجوع شود و کمبودها و کاستی‌ها از طریق اسناد، مقالات و مطالعات جدیدتر چون تاریخ مشروطه کسروی و کتاب‌های آدمیت جبران شود. همچنین باید توجه داشت با وجود آنکه زرتشتیان کرمان بخش مهمی از تاریخ آموزش و پرورش کرمان را تشکیل داده‌اند؛ متأسفانه هیچ‌گونه پژوهش علمی به‌طور خاص در مورد آنان صورت نگرفته است. با این وجود، خانم فاطمه بیگم روح‌الامینی که



مطالعات گسترده‌ای در حوزه آموزش و پرورش کرمان دارند، در دو کتاب خود، گنجینه (دو جلد) و دانشسرای مقدماتی دختران و پسران، تاریخ آموزش و پرورش کرمان را به صورت کلی روایت می‌کند و در این بین، مختصراً به ایشان می‌پردازد؛ اما از آنجا که تعداد قابل توجهی از شخصیت‌های فرهنگی زرتشتی کرمان، دانش‌آموخته دانشسرای مقدماتی نیستند؛ پس برای برطرف کردن این خلأ، از تاریخ شفاهی در بین زرتشتیان کرمان استفاده شده است.

پیش از آنکه به نقش زرتشتیان در آموزش و پرورش ایران به سبک نوین پرداخته شود، لازم است ابتدا آموزش و پرورش سنتی که در ایران رایج بوده و همچنین جایگاه اقلیت‌های مذهبی، بررسی شود؛ سپس با توجه به چگونگی تغییر سبک آموزشی از سنتی به مدرن، نقش و عملکرد زرتشتیان کرمان در این فرایند مورد بررسی قرار گیرد. بدین ترتیب، در بخش اول این پژوهش به چگونگی آموزش و پرورش به سبک سنتی در میان زرتشتیان پرداخته می‌شود.

۳) آموزش و پرورش سنتی زرتشتیان

دین زرتشتی به عنوان یکی از ادیان یکتاپرستی همواره انسان را به امور نیک، خدمت به خانواده و سرزمین فرمان داده است. سن شروع تحصیل در کتاب‌های زرتشتیان، هفت‌سالگی ذکر شده است؛ پیش از آن کودک در خانه توسط والدین آموزش می‌بیند و بعد از آن می‌تواند لباس مخصوص زرتشتی -سدره و گشتی (کمر بند مخصوص)- را بر تن کند و آماده انجام مراسم دینی شود. با توجه به اینکه یکی از خیرات سه‌گانه مخصوص که در وندیداد به آن سفارش شده، کمک به همنوع در راه علم و تربیت است؛ زرتشتیان در طول تاریخ به ساختن مدارس اقدام کرده‌اند (شاهرخ، ۲۰۶).

با انقراض دولت ساسانی، قدرت موبدان زرتشتی کاهش یافت و کم‌کم دین اسلام به عنوان مذهب رسمی جایگزین دین زرتشت شد. زرتشتیان که مجبور شده بودند به شهرهایی کوچری و دور از مرکز حکومت همچون کرمان و یزد پناه ببرند، به واسطه داشتن آیینی متفاوت از بسیاری از مشاغل و امکانات اجتماعی محروم شده و بیشتر به واسطه تأکید فرامین زرتشت به آبادی زمین، به مشاغلی چون کشاورزی روی آورده بودند. مشاغلی چون ستاره‌شناسی یا پزشکی نیز به صورت موروثی از پدر به فرزند در خانواده آموزش داده می‌شد. عامه زرتشتیان -همچون سایر مردم آن دوره ایران- چندان اهمیتی برای باسواد بودن قائل نبودند. سوادآموزی یا در خانه از پدر به فرزندان و نزدیکان و یا در آتشکده توسط دستوران به کسانی که مایل بودند موبد شوند، انجام می‌شد. علاوه بر این، کرمان شهری بود که بارها مورد هجوم اقوام مختلف ترک، مغول، ازبک و... قرار گرفته و حتی از لشکرکشی شاهانی چون نادرشاه و آقامحمدخان که نسل‌کشی به راه می‌انداختند، در امان نمانده بود. خواه و ناخواه در این شرایط، زندگی بر افرادی که اقلیت مذهبی محسوب می‌شدند و بنا به دستور برخی حکام باید در خارج دروازه‌های شهری ساکن می‌شدند، سخت‌تر می‌شد.

در پی زندگی در جامعه اسلامی، موبدان و دستوران زرتشتی برای بقا و حفظ موجودیت دین خود، زبان عربی را آموختند و تلاش کردند بر روی شباهت‌های مابین اسلام و دیانت زرتشتی تأکید کنند. بنابراین آتش و خورشید را برابر کعبه و قبله، و ایزدان کهتر را برابر فرشتگان معرفی کردند. همچنین با نوشتن کتاب‌هایی چون *اشکند گمانیک ویچار* (گزارش گمان‌شکن) در قرن ۳ ق / ۹ م، از دیانت خود دفاع کردند و برای اینکه اهل کتاب معرفی شوند و کمتر مورد آزار قرار گیرند، مقرر کردند آیین وندیداد را بجای آنکه زمزمه کنند، از روی کتاب بخوانند (بویس، ۱۳۸۶: ۲۷۱-۲۷۳). با این وجود، بسیاری از موبدان پس از گرویدن به اسلام، بسیاری از نوشته‌های کمیاب پهلوی و حتی اوستا را می‌سوزاندند تا نشان دهند کاملاً از دین گذشته روی برگردانده‌اند (همان، ۲۷۴). البته

زرتشتیان کرمان که تعداد کمی از ایشان پهلوی می‌دانستند، معتقد بودند که بیشتر کتاب‌های ایشان در زمان حمله آقامحمدخان به کرمان سوزانده شده‌است (سروشیان، ۱۹۸۸: ۱۷۱).

به‌رغم همه مشکلاتی که زرتشتیان با آن درگیر بودند؛ در اوایل حکومت قاجار، چند مکتب‌خانه در کرمان با پشتیبانی مالی افراد باسواد زرتشتی همچون ملا ظهراب، ملا رستم و ملا بهروز اداره می‌شد (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۰۹). وجود پیشوند ملا در اسامی زرتشتیان کرمان، دلالت بر باسواد بودن شخص دارد و ذکر چند شخصیت تاریخی به‌عنوان منجم و مورخ، در تاریخ کرمان نشان می‌دهد که سوادآموزی سنتی زرتشتیان -یعنی آموزش از پدر به فرزند- در برخی خانواده‌ها بسیار مورد توجه قرار گرفته‌است.

مهاجرت زرتشتیان به هندوستان و ارتباط گسترده با پارسیان هند، سبب آگاهی پارسیان هند از وضعیت نابه‌سامان اجتماعی هم‌کیشان ایرانی‌شان شد. پس نمایندگانی برای اصلاح وضعیت زرتشتیان عازم ایران شدند. مانکجی لیمجی هاتریا، یکی از مهم‌ترین نمایندگان پارسیان هند در ایران بود که در آوریل ۱۸۵۴م/شوال ۱۲۷۰ق در بندر بوشهر پیاده شد (بویس، ۱۳۶۴: ۴۲۶). اصلاحات او تغییرات اساسی در وضعیت زرتشتیان ایرانی ایجاد کرد و زمینه‌ساز آموزش و سوادآموزی زرتشتیان به سبک نوین شد.

ارتباط زرتشتیان کرمان و پارسیان هند از قرن‌ها پیش خصوصاً در دوران صفوی شکل گرفته بود. در تاریخ کرمان، نمونه‌هایی از این ارتباط ثبت شده‌است که در ادامه بدان اشاره می‌شود:

در سال ۱۰۰۰ق/۱۵۹۲م دستور جاماسب والی پور، استاد دستور داراب پارسی -همان شخصی که اوستا را به آنکتیل دوپرون آموخت تا به زبان فرانسوی ترجمه و در اروپا منتشر شود- از کرمان راهی هندوستان شد (سروشیان، ۱۳۷۱: ۱۷؛ نجمی، ۳۱۵). او که برای راهنمایی موبدان هندی رفته بود، متوجه شد تقویم هند از تقویم ایرانی یک ماه عقب‌تر است (بار و دیگران، ۱۱۱).

یک سال بعد، دستور اردشیر پسر دستور انوشیروان بنا بر دعوت اکبر شاه گورکانی راهی هندوستان شد و در آنجا یک واژه‌نامه پارسی -که تا آن زمان میان زرتشتیان کرمان رواج داشت- نوشت و بعد از چهار سال، به کرمان بازگشت (سروشیان، ۱۳۷۱: ۱۶؛ نجمی، ۳۲۱).

ملا گشتاسب پدر ملا اسکندر پدر ملا شاهرخ که جد پدری ارباب کیخسرو شاهرخ محسوب می‌شود؛ منجم مورد توجه آقامحمدخان قاجار بود که ورود او به کرمان را پیشگویی کرد. وی یکی از بزرگ‌ترین منجمان و ستاره‌شناسان کرمانی بود (شهمردان، ۵۶۱).

طبق نوشته دکتر محمدابراهیم باستانی پاریزی در حاشیه تاریخ کرمان وزیر، یک منجم زرتشتی کرمانی به نام اسکندر پسر ملا گشتاسب، در ۱۲۶۹ق/۱۸۵۳م تاریخی در باب کرمان نوشت و آن را **محقق التواریخ** نام گذاشت. نسخه‌ای از این کتاب که در مورد تاریخ پیش از اسلام است، اکنون در انستیتوی شرق‌شناسی فرهنگستان علوم شوروی (روسیه) موجود است به خط بهروز فرزند مؤلف (نجمی، ۴۵۱).

۴) آموزش و پرورش به شیوه نوین

به‌دنبال شکست ایران در جنگ‌های ایران و روس در زمان حکومت فتحعلی شاه قاجار، ایرانیان کم‌کم متوجه ضعف و عقب‌ماندگی خود خصوصاً در زمینه‌های نظامی، آموزشی و... شدند. عباس میرزا ولیعهد خوش‌نام قاجار برای تغییر این شرایط در اصلاح امور ایران پیشگام شد. یکی از مهم‌ترین اقداماتی که عباس میرزا برای خروج ایران از این وضعیت انجام داد، فرستادن جوانان ایرانی به کشورهای چون انگلستان و روسیه بود تا آنچه به نفع کشور است، بیاموزند



و به کشور بازگردند. در سال ۱۲۳۰ق/ ۱۸۱۵م هیأتی پنج‌نفره از جوانان ایرانی برای آموختن مهندسی، طب، توپخانه، ریاضی، زبان و حکمت طبیعی روانه انگلستان شدند (آدمیت، ۲۴). این جوانان با ورود به انگلستان، در وهله اول به مقایسه کشور خود با کشور میزبان می‌پرداختند، میزان تفاوت‌ها را بررسی می‌کردند، بیش از پیش به عقب ماندن خود نسبت به کشورهای غربی پی می‌بردند و با نوشتن خاطرات خود به‌عنوان سفرنامه یا -بهتر است گفته شود حیرتنامه- علل عقب‌ماندگی ایران را تحلیل می‌کردند. یکی از این دانشجویان بازگشته از فرنگ میرزا صالح شیرازی بود که نخستین روزنامه ایران را با نام *کاغذ/خبر* در ایران به چاپ رساند. یکی از موضوعاتی که مورد توجه وی قرار گرفت مسأله مدارس مخصوصاً مدرسه طب و مدارس آکسفورد و کمبریج بود (همان، ۲۷).

این نوشته‌ها و همچنین بازگشت دانشجویانی که با علوم و فنون جدید از فرنگ بازگشته بودند؛ زمینه‌ساز آگاهی در بین مردم شد و نسلی به‌وجود آورد که مایل بودند فرزندانشان برای تعلیم و تربیت یا -به تعبیر خودشان؛ برای اینکه کسی شوند- راهی دنیای متمدن غرب شوند. میرزا تقی‌خان فراهانی ملقب به امیرکبیر از سال ۱۲۶۴-۱۲۶۸ق/ ۱۸۴۸-۱۸۵۱م صدراعظم ناصرالدین شاه بود. وی که متأثر از قائم‌مقام اول بود؛ بزرگ‌ترین اصلاحات تجددخواهانه در تاریخ معاصر ایران را رقم زد. یکی از اقدامات امیرکبیر برای ترویج علوم و فنون جدید، ایجاد مدرسه دارالفنون بود که پس از مرگش افتتاح شد. برای آموزش علوم، آموزگاران داخلی و خارجی از کشورهای چون فرانسه، اتریش و آلمان به کار گرفته شدند. با ایجاد دارالفنون، آموزش به روش جدید در ایران آغاز شد و به دنبال آن، مدارس دیگری با روش‌هایی متفاوت با آنچه در گذشته تدریس می‌شد، در شهرهای مختلف ساخته شد.

طبق نوشته‌های احمد کسروی، یکی از نشانه‌های بیداری مردم در دوران قاجار و خصوصاً پس از واقعه تنباکو، رواج روزافزون دبستان‌ها بود. دبستان در ایران از سال ۱۲۷۵خ (۱۳۱۴ق) توسط رشیدی و با حمایت امین‌الدوله، نخست در تبریز و سپس در تهران افتتاح شد. در ابتدا تأسیس مدارس با مخالفت روحانیان روبرو شد، چراکه ایجاد دبستان‌ها باعث رکود مکتب‌خانه‌ها می‌شد و این چنین منافع ایشان به خطر می‌افتاد؛ اما کم‌کم با حمایت برخی از روحانیان و استقبال مردم از این مدارس، تا سال ۱۲۸۵خ -که فرمان مشروطیت صادر شد- در ایران کمتر شهری وجود داشت که حداقل یک مدرسه نداشته باشد (کسروی، ۳۸-۳۹).

سر پرسی سایکس انگلیسی که در سال ۱۸۹۳م به ایران سفر کرد و مؤسس کنسولگری انگلستان در کرمان و سیستان است؛ در خاطرات خود در مورد آموزش و پرورش ایران چنین می‌نویسد:

«ایرانی‌ها نسبت به معارف کاملاً بی‌علاقگی و لاقیدی نشان می‌دهند و بعضی از پسرها فقط به خواندن چند جزوه قرآن که به زبان عربی است و معنی آن را نمی‌فهمند، اکتفا می‌کنند و حقوق معلمان به‌قدر حقوق یک نفر پیشخدمت است و جای تعجب نیست که هنوز می‌گویند لندن نام کشوری است که یکی از شهرهای آن اقیانوس اطلس است. این اشتباه از دوران صفویه رواج داشته است.» (سایکس، ۲۴۰-۲۴۱)

ولی در پاورقی به آن اضافه می‌کند هنگامی که مجدداً به ایران سفر می‌کند؛ متوجه می‌شود که زیر نظر وزارت فرهنگ، دبستان‌های متعدد مردانه و زنانه تأسیس شده، دانشگاه و دانشسرا راه افتاده، معلمان و آموزگاران حقوق مکفی دریافت می‌کنند و حتی دانشجویان به اروپا و آمریکا می‌روند و اغلب در امتحانات گوی سبقت از همگان خود می‌ربایند.

۴-۱) آموزش و پرورش زرتشتیان کرمان

در کرمان که یکی از کهن‌ترین و مهم‌ترین ایالت‌های ایران محسوب می‌شود، از دیرباز مدارس مختلفی ساخته می‌شد؛ اما این مدارس همچون مدرسه قبه سبز در قرن ۷ (بانی؛ ترکان خاتون قراختایی)، مدرسه گنجعلی خان در قرن ۱۱ (بانی؛ گنجعلی خان زیگ)، مدرسه شفیعیه در ضلع میدان خان در قرن ۱۲ (بانی؛ میرزا شفیع نواده گنجعلی خان)، مدرسه در ضلع شرقی مسجد جامع در قرن ۱۲ (بانی؛ درگاه‌قلی بیگ)، مدرسه معصومیه^۱ در قرن ۱۲ (بانی؛ معصوم‌بیگ، حاکم صفوی)، مدرسه ابراهیمیه در اواخر قرن ۱۲ و... بیشتر شبیه به حوزه علمیه بودند، بنا به مذهبی که بانی داشت برای تبلیغ مذهب وی ساخته می‌شدند و سبک آموزش به همان شیوه قدیمی در آنجا صورت می‌گرفت.

زمانی که فرستاده پارسیان هند در عهد ناصری یعنی مانکجی وارد ایران شده بود، ایرانیان به لطف اصلاحاتی که در جامعه صورت گرفته بود؛ با آموزش و پرورش جدید آشنا شده بودند. با این حال به دلیل شرایط نامساعد اجتماعی زرتشتیان، تفاوتی در زندگی ایشان صورت نداده بود. او به محض ورود به ایران و اطلاع از شرایط نابه‌سامان زرتشتیان، شروع به اصلاحات مهم و اساسی خود کرد و بدین ترتیب نام خود را به‌عنوان منجی زرتشتیان ایرانی عهد قاجار، در تاریخ جاودانه ساخت.

سال‌ها زندگی زرتشتیان به‌عنوان اقلیتی محروم و طردشده در حاشیه شهرهای کویری، از آن‌ها افرادی ساخته بود که به خاطر حفظ کیش نیاکانشان، هرگونه ظلم و محرومیتی را پذیرا باشند؛ از جمله مالیات گزافی که به نام جزیه از ایشان گرفته می‌شد و به فقر آن‌ها دامن می‌زد. بنابراین نخستین اقدام مانکجی پس از بهبود شرایط اقتصادی زرتشتیان، مطلع ساختن ایشان از حقوق اولیه‌شان بود و این امر تنها از طریق سوادآموزی میسر بود، وی در این باره نوشت:

«زرتشتیان به‌سان ریگی در خرمن گندم مسلمین سرگردان بودند. مردمی که در گرداب مشکلات و بی‌سوادی غرقه بودند. جمعیتی که به‌زحمت از هر صد نفرشان، دو نفر در اجتماع شغل و مقام درخوری داشتند.» (بویس، ۱۳۶۴: ۴۲۷)

پس از تأسیس مدارس زرتشتی در تهران، یزد و کرمان - که علاوه بر کودکان زرتشتی، بسیاری از کودکان غیر زرتشتی هم از آن بهره بردند - اقدام دیگر وی ارتباط صمیمانه با علما و دانشمندان، جهت جمع‌آوری کتب خطی کمیاب و اثبات علم - و هنردوستی خود به آن‌ها بود (امینی، ۶). سپس به‌همراه خود، ۱۲ کودک از کرمان و ۲۰ کودک از یزد را با قبول مخارج زندگیشان و حتی کمک‌هزینه‌ای برای والدینشان، برای آموزش به تهران برد. در این باره خطاب به زرتشتیان کرمان، در جلسه روز خورشید یزد و تیرماه ۱۲۳۵ یزدگردی در پای آتش وره‌رام کرمان اظهار داشت:

«می‌خواهم چند نفر بچه‌ها را با خود به تهران ببرم که در آنجا درس بخوانند و عالم و دانا شوند، ولی مادر و پدر ایشان مانع می‌شوند. اکابران می‌دانند که پریشانی جماعت همه به جهت نادانی است، این است که وسایلی فراهم کرده‌اند که بچه‌ها در تهران درس بخوانند و خودتان هم در اینجا اقرار نموده‌اید که همه بدبختی‌ها به‌واسطه نادانی است. حالا من مسؤولیت را از گردن خود دور کردم. اگر کسی بچه‌ها را نفرستد تا درس بخوانند، شما مشغول‌الذمه هستید.» (نمیرانیان، ۲۲۵)

بعد از اقدامات مانکجی، چند مدرسه برای نوباوگان در محله‌های زیر پایه‌گذاری شد:

- ۱) محله شهر به سرپرستی دستور رستم، دستور جهانگیر
- ۲) محله پرموتن به سرپرستی ملا شاهرخ، ملا اسکندر (پدر ارباب کیخسرو شاهرخ)



۳) محله دولت‌خانه مدرسه دخترانه‌ای به سرپرستی ملا رستم و جمشید خداداد

۴) محله قبه سبز

۵) محله خواجه خضر

۶) محله چارسوق کهنه

مدارس فوق‌الذکر به سرپرستی موبد جهانگیر و موبد مرزبان (پدربزرگ آقای دکتر جهانگیر اشیدری) اداره می‌شد (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۱۰). ارباب کیخسرو شاهرخ که یکی از مهم‌ترین زرتشتیان تاریخ معاصر به‌شمار می‌رود، به‌همراه برادر خود در یکی از این مکتب‌خانه‌ها که زیر نظر ملا مرزبان اداره می‌شد، دروس ابتدایی را گذراند (پرخیده، ۱۳۸۵).

همچنین از دیگر اقدامات مانکجی، بازسازی آتشکده‌ها در کرمان و روستای قناتستان بود که به‌عنوان دومین هدف وی در بحث تعلیم و تربیت، در کتیبه‌هایی که برای این اقدامات نوشته و در موزه سنگ‌های کرمان (گنبد جبلیه) و موزه مردم‌شناسی زرتشتیان (خیابان برزو آمیغی) موجود است؛ مطرح شده‌است:

«خجسته هنگام پادشاهی خسرو فیروز ناصردین شاه قاجار این خانه مینونشان که پرستشگاه والایزدان است از یآوری ارزانش خداوندان داد و دهش انجمن زرتشتیان هندوستان که از پارسیان نژاد باستان ایرانند و کوشش بهدین ستوده‌آیین، مانکجی پور بهشتی‌روان لیمجی هوشنگ هاتریای هندوستانی پارسی نژاد انجمن زرتشتیان ایران در شهر کرمان ساخته و پرداخته شد. این فرخنده از برای چند کار نامزد گردید:

نخست آنکه مردم زرتشتی در این پاک جای، نماز خدای مهربان و ستایش آفریننده جهان را به‌جای آورند؛

دوم دبیرستان باشد و زرتشتیان در اینجا آمده، دانش‌آموز و هنرآموز شوند؛

سوم جای گهنبار خواندن و ارزانش به ارزانیان زرتشتی دادن بود؛

چهارم جز از هنگام گهنبار هرگاه دیگر هر زردشتی که خواند در اینجای، آفرینگان بخواند و دهش و بخشش نماید؛

پنجم برای فراهم آمدن و هم‌داستان شدن کسان پنچایت و انجمن زرتشتی گروه و آراستن بزم نویسه در هر سکه دین مزدیسنی؛

ششم جای پیراستن بزم شادی برای گواه گرفتن و پیوند دادن پسران و دختران زردشتی و مانند آن، دیگر کارهای شایسته است؛

انجام یافت در روز پنجشنبه وره‌رام ایزد از اردیبهشت‌ماه قدیم ۱۲۲۸ یزدگردی برابر با ششم ماه ربیع‌الاول ۱۲۷۵ هجری هم‌بار بر ۱۴ ماه اکتبر سال ۱۸۵۸ عیسوی به خط کمترین وهدین بهروز ابن اسکندر ابن گشتاسب کرمانی.»

۴-۱-۱) اماکن آموزشی زرتشتیان کرمان

یکی از محله‌های زرتشتی‌نشین کرمان، محله دولت‌خانه است که قدمت آن به حدود ۳ قرن می‌رسد. بنا به مندرجات یک سند تاریخی خطی نگارش فریدون بن شهریار که تاریخ تحریر

آن به سال ۱۳۱۹ق/ ۱۹۰۱م است؛ در جنب آتشکده (درب مهر)^۲ دولت‌خانه، مدرسه‌ای به اهتمام پولاد اسفندیار یزدی و اردشیر خسرو صندل کرمانی در سال ۱۳۱۵ق/ ۱۸۹۷م بنا شد که در آن عده‌ای مشغول تحصیل بوده‌اند (دانشور، ۱۳۰). این مدارس کوچک که مورد استقبال اهالی کرمان چه زرتشتی و چه غیر زرتشتی قرار گرفت، سبب شد مدارس بزرگ توسط زرتشتیان یکی پس از دیگری در کرمان ساخته شود. مردم کرمان اصرار داشتند که فرزندان‌شان در مدارس زرتشتی تحصیل کنند چراکه مرتب‌تر و منظم‌تر بودند؛ و کوشش کردند تا این مدارس تقویت شوند و با آنان، سازگاری و همیاری داشته باشند (باستانی پاریزی، ۳۴۷).

اولین مدرسه بزرگی که هنوز هم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین مدارس کرمان معرفی می‌شود؛ مدرسه ایرانشهر نام دارد که در خیابان برزو آمیغی نزدیک به دفتر انجمن زرتشتیان کرمان و آتشکده اصلی قرار دارد. بانو فاطمه بیگم روح‌الامینی در کتاب گنجینه (آموزش و پرورش کرمان در آینه تاریخ) مدارس زرتشتی چون ایرانشهر و پس از آن کاویانی، شهریاری و مدرسه ارباب کیخسرو شاهرخ را چنین معرفی می‌کند:

مدرسه ایرانشهر: دبستان ملی ایرانشهر در نهم بهمن‌ماه ۱۲۸۵ش با تلاش انجمن زرتشتیان کرمان تأسیس گردید. زمین این آموزشگاه را ارباب گشتاسب زرتشتی اهدا کرد که در حقیقت باغ شخصی‌اش، واقع در حوالی دروازه ناصریه بود. سایر کلاس‌ها و ساختمان‌های آن به کمک عده‌ای از خیرین زرتشتی ساخته شد و امتیاز مدرسه در دوره رضا شاه، طی نامه شماره ۱۹۲۲۰ مورخه ۱۳۱۴/۴/۱۷ وزارت فرهنگ به نام آقای برزو آمیغی صادر گشت. مدیران مدرسه آقایان شادروان ارباب کیخسرو شاهرخ (نماینده زرتشتی‌ها در مجلس شورای ملی)، دستور کیخسرو، دستور رستم، مرحوم حاج مصباح (احمد ثمره)، خدارحم آبادیان، ابوالحسن ارجمندی ساوجی، علی خدایی، علی الفت، میرزا برزو آمیغی، منوچهر کاویانی، محمد فلاحتی و رضا صابری بودند.

بر اساس تحقیق به‌عمل‌آمده، از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۳۲ تعداد ۹۵۳ نفر از این آموزشگاه موفق به اخذ گواهینامه پایان دوره ابتدایی (کلاس ششم) گردیده؛ و حدود ۵۰۸ نفر سیکل اول متوسطه را در این مدرسه به پایان رسانده‌اند. طبق اطلاعات موجود، این آموزشگاه در سال ۱۳۲۰خ، جمعاً ۲۴۲ نفر دانش‌آموز داشته که از این تعداد، ۹۰ نفر در سیکل اول و بقیه در مقطع دبستان تحصیل می‌نموده‌اند.

از معلمان و کارکنانی که در دبستان ملی ایرانشهر فعالیت می‌کرده‌اند، می‌توان از این اشخاص یاد کرد: بهرام آریانی، شهریار غیبی، علی محمودی، محمدجواد امامی، جهانگیر یگانگی، مهدی صدیق، خداداد کوچکی، سروش کشاورزبان، پروین رستمی، تابنده خسروپور، مروارید مولایی، گلستان شهریاری، فرخنده خداداد، احمد مسلمی، کمال منصوری، علی ایرانمنش، محمود مرتاض کرمانی، خداداد سیامک و مهربان سروشیان. خانم سلطنت خداداد متصدی تراخم و خانم شهریاری فرزانه و آقای رشید پورخسروی از مستخدمان مدرسه بوده‌اند. نکته قابل‌ذکر این است که در این آموزشگاه، حرفه‌های نجاری و خیاطی آموزش داده می‌شد و اساتید این حرفه‌ها از مسیحیان و یهودیان اصفهان بودند.

مدرسه ایرانشهر از سال ۱۳۳۲خ به بعد، فقط سه کلاس آخر دبستان را دارا بود و به تدریج دبستانش رو به تعطیلی نهاد و بر طبق قرائن موجود، شاگردان به شعبه دبستان کاویانی که یکی دیگر

(۲) زرتشتیان به آتشکده‌هایی که در محله‌ها ساخته‌اند، درب مهر (نگارش درست و البته منطبق بر تلفظ شفاهی اهالی بومی؛ «درب مهر» است - فصلنامه ایران‌شناسی) می‌گویند و آن را با آتشکده اصلی که با نام آدریان می‌شناسند، متمایز می‌کنند.



از مدارس زرتشتیان بود، منتقل گشتند. حتی نام مدرسه مزبور در بعضی گزارش‌ها، ایرانشهر (کاپوانی سابق) ذکر شده (مثل گزارش پایان سال تحصیلی ۳۵-۱۳۳۴) و به تدریج فقط دبیرستان در آن محل به کار خود ادامه داد (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۴۲-۱۴۹).

مدرسه ملی شهریار: دبستان دخترانه شهریار در سال ۱۲۹۷ خ به همت شادروان خدابخش تفتی، در محل دروازه ناصریه تأسیس یافت. تا سال ۱۳۲۳ خ، قسمت عمده هزینه‌های آن را ارباب شهریار خسرو راوری می‌پرداخت و از این سال به بعد اداره‌کننده آن آموزش و پرورش شد. در سال ۱۳۲۶ خ، مدرسه دارای ۹ کلاس (اول تا سوم دو شعبه) بوده و دولت ماهیانه ۹۰۰ ریال به مدرسه کمک می‌کرده‌است.

از اولین رؤسایان مدرسه می‌توان از خانم‌ها هاماس، مصور، آموزگار ثمره و کشور مزدیسنا نام برد. آمار مدرسه در اسفندماه ۱۳۲۰، ۳۲۵ نفر؛ در اردیبهشت ۱۳۲۴، مجموع دانش‌آموزان در این ماه ۲۴۰ نفر؛ و در سال تحصیلی ۳۰-۳۱ مدرسه دارای ۹ کلاس و مجموعاً تعداد ۲۶۷ دانش‌آموز بوده‌است.

بودجه مدرسه: تا تاریخ ۱۳۰۷ خ، بانی و مؤسس این مدرسه درحالی‌که ماهی ۵۰ تومان برای مخارج مدرسه تقبل فرموده بودند، شخصاً کلیه مخارج مدرسه را می‌پرداختند و این مدرسه از جای دیگر عایدی نداشت؛ ولی از تاریخ مذکور، مرقوم فرمودند که بیش از این مبلغ نمی‌توانند تأدیه نمایند، لذا شروع به گرفتن شهریه از اطفال مدرسه گردید و به‌طور متوسط هر ماه ۲۹ تومان نیز از اول مهر تا به امروز عاید شده و بقیه را مدرسه از سال ۱۳۳۸ مقروض شد و از وزرات فرهنگ کمک خواست (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۲۱۶-۲۲۰).

مدرسه ملی کاپوانی: زنده‌یاد گیو اردشیر کاپوانی در شهریورماه ۱۳۰۳ خ، مدرسه کاپوانی را در کوی خارج ناصریه بنا نهاد. طبق سندهای موجود، این آموزشگاه حداکثر دارای سه پایه تحصیلی و هر پایه در چند شعبه بوده‌است. در بعضی سندها این مدرسه به نام ملی ایرانشهر خوانده شده‌است.

محل آن در گزارش‌ها در خارج کوی خارج ناصریه و مطابق با اصول بهداشت و با مساحت ۲۲۰۰ مترمربع و دارای ۱۲ اتاق، یک سالن به مساحت ۹۲۰ مترمربع نوشته شده‌است. آمار دانش‌آموزان در پایان سال ۲۷-۲۶ در سه شعبه کلاس اول، ۹۲ نفر؛ کلاس دوم در دو شعبه ۵۷ (جمعاً ۱۴۹ نفر)؛ و در دی‌ماه ۳۲ در پایه اول تا سوم، ۱۷۰ نفر؛ آذرماه ۳۶ با همین سه پایه، ۱۸۴ نفر؛ و در دی‌ماه ۳۸ نیز با همین سه پایه، ۱۸۷ نفر گزارش شده‌است (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۲۳۵-۲۳۹).

دبیرستان کیخسرو شاهرخ: این آموزشگاه در تاریخ شهریورماه ۱۳۲۹ خ به همت ارباب شهریار خسرو راوری و کمک و کوشش خیراندیشان زرتشتی در محل زمین‌های زیرسیف -کوچه مریض‌خانه- در زمین وسیعی احداث شد. بودجه آن از طریق اخذ شهریه از دانش‌آموزان و انجمن زرتشتیان، تأمین می‌شد. در این مدرسه شش کلاسه، دانش‌آموزان مسلمان و زرتشتی تحصیل می‌کردند. مدیران اولیه این آموزشگاه خانم کشور مزدیسنا و شادروان برزو آمیغی بوده‌اند.

در سال ۳۶، رئیس مدرسه بانو کشور مزدیسنا و معلمان آن عبارت بودند از آقایان محمد بحرینی، محمد توحیدی، محمد بصیریان، مصطفی نکویی، باقر سیستانی، سبحان ریاضی، اکبر رشید فرخی، عبدالغفار توحیدی، مصطفی نادری، محمدرضا جاویدی و مانکجی کشاورزی؛ و خانم‌ها پوران همتی، کتایون خدادادی، فرنگیس فروهری، فاطمه حجت، فاطمه گنجعلی‌خانی، پریدخت رشیدی و پروین آمیغی. دفترداران آموزشگاه خانم‌ها میهن کیهانی و مهردخت فروزان بودند.

طبق گزارش فروردین ۳۸؛ آمار کلاس پنجم ۲۲ نفر، چهارم ۲۷ نفر، سوم ۳۵ نفر، دوم ۴۱ نفر، اول ۴۳ نفر (جمعاً ۱۶۸ نفر) بوده‌است (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۴۱۰-۴۱۱).

۴-۱-۲) شخصیت‌های فرهنگی زرتشتیان کرمان

یکی از دروسی که در این مدارس مورد توجه قرار گرفت، درس زبان انگلیسی بود. باید توجه داشت که از قرن سیزدهم هجری، کم‌کم نفوذ سیاست‌های انگلیس در ایران و خصوصاً کرمان بیشتر شد. زرتشتیان کرمان که در این سال‌ها با پارسیان هند مرادشان گسترده شده بود؛ خواه‌ناخواه با این زبان آشنا شده بودند. اینکه پارسیان هند بیشتر تاجر بودند و در ارتباطات تجاری تمایل داشتند با همکیشان خود ارتباط داشته باشند، باعث شد توجه به آموزش حساب و ریاضیات افزایش یابد. بی‌دلیل نیست که در مدرسه ایرانشهر، یکی از سرشناس‌ترین شخصیت‌های ریاضیدان ایران در تاریخ معاصر؛ زنده یاد پرویز شهریاری، معرفی می‌شود.

توجه آموزش به دختران یکی از بحث‌هایی بود که در این سالیان افزایش یافته بود. بسیاری از دانش‌آموزان دبستان ملی شهریاری بعدها تبدیل شدند به معلمان و پرستاران مدارس و بیمارستان‌های کرمان. برای نمونه، می‌توان از بانو گوهر جمشیدی نام برد که نامش به‌عنوان اولین مامای تحصیل کرده، در تاریخ کرمان می‌درخشد.

این مدارس که در ابتدا فقط از سمت انجمن زرتشتیان و بانیان زرتشتی حمایت می‌شدند، با پذیرش کودکان بدون توجه به دین و مذهبشان، و همکاری آموزگاران زرتشتی و مسلمان در کنار هم، فرهنگ زندگی مسالمت‌آمیز بدون توجه به گرایش‌های مذهبی را در کرمان مستحکم‌تر کردند و باعث افزایش محبوبیت اقلیتی شدند که پیش از آن، با کناره‌گیری از اجتماع، سعی بر حفظ و بقای خود داشت. این عاملی شد که اعتماد به نفس جمعی این گروه که مانجی به نكوهش آنان پرداخته بود، افزایش یابد و شخصیت‌های مطرحی در زمره آموزگار، مدیر و معاون در آنان شکل گیرد که در ادامه به اختصار معرفی می‌شوند.

کشور مزدیسنا: از جمله بانوان فرهنگی و فرهنگ دوست کرمان است که در سال ۱۲۹۰ خ در کرمان متولد شد و از سال ۱۳۰۵ به سمت آموزگاری و از سال ۱۳۱۵ به مدیریت دبستان شهریاری منصوب و در سال ۱۳۳۴ به تدریس در مدرسه کیخسرو شاهرخ مشغول شد. وی ضمن تدریس، به تحصیل پرداخت و از دانشسرای مقدماتی، فارغ‌التحصیل شد. همت شادروان ارباب شهریاری راوری و کمک مالی شهریاری تفتی، ساکن برمه موجب شد تا او در طول ۹ سال، بدون دریافت حقوق از اداره فرهنگ آن روز تدریس کند. خانم مزدیسنا از تاریخ دی‌ماه ۱۳۳۳ خ به مدیریت دبیرستان کیخسرو شاهرخ منصوب شد و در زمان ریاست فرهنگ وقت (آقای عبدالعلی دستغیب) در بهمن ۱۳۳۴ رسماً به استخدام وزارت فرهنگ درآمد (گلاب زاده، ۵۵۶).

حقوق نامبرده در اول شهریورماه ۱۳۲۰، ماهی ۴۵۰ ریال و آخرین حقوق ماهیانه ایشان در تاریخ ۱۳۴۳ بعد از ۳۸ سال خدمت ۲۶۰۰ ریال بوده است. خانم ایران رشید فرخی، دانش‌آموز سال ۱۳۱۲ دبستان شهریاری در معرفی خانم مزدیسنا و شخصیت و نحوه مدیریت ایشان، می‌گوید: «ایشان از فرهنگیان بسیار فعال، جدی و سخت‌کوش بودند و در دوران مدیریت، به تمام دانش‌آموزان رسیدگی می‌کردند و به‌خصوص روی مسأله حجاب و مسائل اخلاقی خیلی تأکید داشتند.» (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۱۳)

«این کشور خانم نیز از عجایب زنان تاریخ کرمان است. هشتاد سال عمر کرد، پنجاه-شصت سال آن را در مدارس زرتشتیان به تدریس گذرانید و سال‌ها مدیر مدرسه دخترانه کرمان بود. زنی بود عارفه از نوع رابعه عدویه. هرگز شوهر نکرد و طبعاً فرزندی نداشت و آخر کار، خانه کوچک خود را هم در تهران وقف هم‌کیشان خود نمود. هیچ مدیر مدرسه زنانه‌ای در کرمان، حتی میس وودراف که مدرسه دوشیزگان را به سبک انگلیسی‌ها اداره می‌کرد و روحانیت کشیش هم داشت، به‌اندازه او روحیه پشتکار و سازگاری و حلم نداشت.» (باستانی پاریزی، ۲۴۷)



در موزه آگیرا که زیر نظر آموزش و پرورش اداره و دستاوردهای فرهنگی کرمان به نمایش گذاشته می‌شود، میز و صندلی ریاست خانم مزدیسنا و اشعاری از دانش‌آموزان کرمانی که در مدح ایشان سروده‌اند، به چشم می‌خورد:

«به مناسبت روز مادر؛ تقدیم به مدیر ارزشمند، خانم کشور مزدیسنا:

مزدیسنا شهرت و نام نکویش کشور است	در دبیرستان کیخسرو، مدیری رهبر است
راستی! این بانوی نامی گرامی مادر است	در تمام خاک کرمان، این مزیت زان اوست
بلکه در فرهنگ کرمان، رهبری نام‌آور است	در مدیریت، نظیر وی نَبُد در شهر ما
اجر این بانوی نیکوکار نزد داور است	سال‌ها از بهر مردم، او فداکاری نمود
قدردانی لازم آید هر که خود ^۳ این باور است	ای تقی‌زاده! تو هم قدر مدیر خود بدان!
شاد و خشنودم مدیر باوفایم کشور است	نعمت عفت عطای کردگار آمد ولی
زانکه تشویق از وظایف شد خدایش یاور است	از سراینده اگر پرسی، بخوان امضای او

عفت تقی‌زاده، ۲۵ آذرماه ۱۳۴۸»

برزو آمیغی: میرزا برزو آمیغی در سال ۱۲۷۱خ در کرمان متولد شد. وی در سال ۱۲۹۹خ به خدمت آموزش و پرورش درآمد و سمت دبیری زبان انگلیسی، بعدها معاونت دبیرستان و مدتی بعد ریاست آن دبیرستان را بر عهده گرفت. او با علاقه‌ای که داشت، این مدرسه را از محل اعانات زرتشتیان و شهریه کمی که از محصلین دریافت می‌کرد، اداره می‌نمود. حقوق میرزا برزو تا پایان خدمت ۳۳ساله‌اش از محل بودجه همین دبیرستان پرداخت می‌شد که آخرین حقوق او ۴۰۰ ریال بوده است. سرپرستی کلیه آموزشگاه‌های اقلیت زرتشتی به عهده ایشان بود و با سخت‌کوشی و قناعت و جدیت به امر تعلیم و تربیت فرزندان این مرزوبوم همت گمارد (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۱۱۲).

میرزا برزو که تحصیلات خود را در هندوستان سپری کرده بود؛ پس از بازگشت به کرمان، با وجود آنکه در اداره SPR^۴ ماهانه مبلغ ۴۰۰ تومان دریافت می‌کرد؛ تنها به‌صرف علاقه شخصی، آموزش به کودکان را به کار کردن در اداره مذکور ترجیح داد. او با آنکه مدیریت مدرسه را بر عهده داشت، از آنجا که زبان انگلیسی می‌دانست، چنانچه معلمی نمی‌آمد، به کلاس او می‌رفت و با دانش‌آموزان انگلیسی کار می‌کرد (باید توجه داشت در آن زمان کمتر کسی در کرمان، زبان انگلیسی می‌دانست). عطا احمدی که یکی از خیرین مدرسه‌ساز در کرمان است، در وصف میرزا برزو می‌گوید: «آنچه دارم، از میرزا برزو دارم.» و درجایی دیگر می‌گوید: «من درس اقتصاد را از میرزا برزو آموختم.» میرزا برزو ۵۱ سال کارکرد؛ همیشه زودتر از همه به مدرسه می‌رسید، حتی ناهار را هم ایستاده می‌خورد و آن‌قدر دغدغه مدرسه را داشت که آن را میراث هم‌کیشان خود می‌دانست. به معاونش، آقای کاویانی وصیت کرد که پس از مرگش، مراقب مدرسه باشد تا زرتشتیان آن را از دست ندهند (کاویانی، ۱۳۹۷). شاگردان ایشان اکثراً از شاخص‌ترین افراد جامعه هستند. وی در سال ۱۳۴۷خ به رحمت ایزدی پیوست (روح‌الامینی، ۱۳۹۰: ۱۶۲). اکنون خیابانی که مدرسه ایرانشهر در آن قرار دارد، به یاد ایشان خیابان برزو آمیغی نامیده شده است.

منوچهر کاویانی: در آذر ۱۳۱۲ در بم متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در شهر بم گذراند. سپس از کلاس دهم به بعد را در دبیرستان شاپور و در رشته ادبی به پایان رساند. بعد از آن، در رشته تاریخ و جغرافیا در دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۳۳۷ وارد دبیرستان ایرانشهر شد. حدود ۶ ماه از ده سال کمتر داشت که پس از میرزا برزو آمیغی به سمت مدیریت ایرانشهر مفتخر شد (در آن

(۳) به نظر می‌رسد، بجای واژه «خود»، حرف اضافه «بر» درست‌تر باشد- فصلنامه ایران‌شناسی.

(۴) نام یک اداره انگلیسی در کرمان.

زمان شرط بود مدیر مدرسه اولاً متأهل باشد و در ثانی، حدوداً ده سال در مدرسه خدمت کرده باشد) و تا سال ۱۳۶۰ مدیریت ایرانشهر را بر عهده داشت.^۵ از خدمات ایشان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- (۱) جلوگیری از فلک کردن دانش‌آموزان
- (۲) آسفالت کردن حیاط مدرسه ایرانشهر
- (۳) افزودن کلاس درس به مدرسه با کمک انجمن خانه و مدرسه
- (۴) کاشتن درختان سرو
- (۵) متمرکز کردن امتحانات دینی دانش‌آموزان زرتشتی در آتشکده اصلی (آدریان) شهر
- (۶) ایجاد کتابخانه در آتشکده.

کتابخانه آتشکده: پیش از تأسیس کتابخانه، کتاب‌های آتشکده در کارتن‌های بیشمار در سالن پشت سالن آتش در آتشکده اصلی (آدریان) نگهداری می‌شد. در سال‌های اخیر، برخی از کتاب‌ها از بین رفته بود و نیاز به داشتن کتابخانه احساس می‌شد. آقای منوچهر کاویانی به‌عنوان رئیس کمیسیون فرهنگی انجمن زرتشتیان کرمان، مبلغی که یکی از خیرین برای خرید لوازم‌التحریر به آتشکده اهدا کرده بود را با صلاح‌دید خیر و با توجه به عدم احتیاج دانش‌آموزان زرتشتی به لوازم‌التحریر، با کمک خانم نوشین فرامرزیان (کتابدار دانشگاه) صرف ایجاد کتابخانه‌ای به سبک دانشگاه کرد که علاوه بر حفظ کتب، آن‌ها را در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌دهد. با ایجاد کتابخانه، بسیاری از زرتشتیان از جمله خانواده سروشیان، کتاب‌های خود را به کتابخانه اهدا کردند و شمار کتاب‌ها را به ۶۰۰ جلد رساندند (کاویانی، ۱۳۹۷).

فرنگیس آذری: فرزند رستم در سال ۱۲۹۴ خ در کرمان متولد شد و دوران تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در مدارس شهریار و کیخسرو به پایان رساند. پس از اخذ مدرک تحصیلی سیکل (سه سال) در سال ۱۳۱۶ خ با حقوق ۳۲۱۰ ریال به خدمت وزارت فرهنگ درآمد؛ و در دبستان‌های مشتاق، حیاتی، خواجه و مولوی انجام وظیفه کرد. سال ۱۳۱۸ در آزمون دانشسرای مقدماتی دختران کرمان پذیرفته شد و پس از سپری کردن دوره دوساله دانشسرای مقدماتی در سال ۱۳۲۰ به‌عنوان معلم ورزش در دبیرستان‌های بهمنیار، مشتاق، کیخسرو شاهرخ و دانشسرای مقدماتی کرمان مشغول خدمت شد؛ و در سال ۱۳۴۷ به افتخار بازنشستگی نائل آمد (روح‌الامینی، ۱۳۹۰: ۱۰۷-۱۰۸).

سیامک خداداد (کوچکی): سال ۱۳۰۶ خ در کرمان متولد شد. تحصیلات ابتدایی را در دبستان کاویانی و تحصیلات متوسطه را در دبیرستان ایرانشهر به مدیریت میرزا برزو آمیغی سپری کرد. سپس به‌عنوان معلم ورزش به استخدام فرهنگ درآمد و در دبیرستان‌های پهلوی، ایرانشهر، دانشسرای مقدماتی و شاهپور خدمت کرد. فعالیت زیادی در برگزاری مسابقات ورزشی رشته‌های مختلف مدارس داشت و پس از سی سال خدمت، به افتخار بازنشستگی نائل آمد و هم‌اکنون این دوران را تجربه می‌کند (همان، ۱۰۹).

مهربان شهریار: فرزند شهباز در سال ۱۲۸۸ خ متولد شد. نامبرده پس از گذراندن دوران ابتدایی و متوسطه در دبستان و دبیرستان ایرانشهر که توسط انجمن زرتشتیان تأسیس شده بود؛ برای ادامه تحصیل عازم تهران شد و در رشته پزشکی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل شد. پس از عزیمت به کرمان، به جهت درخواست کار به اداره فرهنگ مراجعه کرد و از تاریخ ۲۸ اسفندماه ۱۳۲۳ به‌عنوان

(۵) بعدها بخشنامه‌ای از اداره آموزش و پرورش صادر شد که اگر بیشتر دانش‌آموزان مدرسه‌ای مسلمان باشند، مدیریت مدرسه هم باید از بین مسلمانان باشد؛ اما به‌علت شهرت مدرسه ایرانشهر و نیز مدیریت صحیح زرتشتیان، این بخشنامه در مورد مدارس زرتشتی اجرا نشد.

(۶) سیامک کوچکی دیگر در قید حیات نیست و متن مرجع مربوط به سال‌های گذشته است - فصلنامه ایران‌شناسی.



دبیر بهداشت در دبیرستان‌های کرمان مشغول به تدریس شد. از همان ابتدای اشتغال، به‌عنوان پزشک معتمد بهداشتی معرفی شد. علاوه بر تدریس بهداشت در دانشسرای مقدماتی دختران و پسران، پذیرفته‌شدگان حتماً باید توسط ایشان ویزیت می‌شدند تا گواهی سلامت برایشان صادر شود. دکتر شهریاری در سال ۱۳۲۷ در سن ۳۹ سالگی وفات یافت (همان، ۱۱۹).

(بانو) همایون پیرغیبی: سال ۱۳۱۲خ در کرمان متولد شد. دوره تحصیلات ابتدایی را در دبستان کاظمی، سیکل اول متوسطه را در دبیرستان بهمنیار به مدیریت خانم حبیبه حائری و مدتی با استاد باستانی پاریزی، و تحصیلات سیکل دوم متوسطه را در دبیرستان مشتاق سپری کرد. پس از اخذ فوق دیپلم، در دوره تربیت معلم دانشسرای مقدماتی شرکت کرد و موفق به اخذ فوق دیپلم شد. وی از اولین گروه فارغ‌التحصیلان در این مقطع بود و رسماً از سال ۱۳۳۵خ به استخدام آموزش و پرورش درآمد. اولین حقوق دریافتی او ۲۵۰ تومان بود و تدریس او در رشته طبیعی (فیزیک و شیمی) در دبیرستان‌های زابل در استان سیستان و بلوچستان شروع شد. پس از ده سال خدمت، به کرمان منتقل شد و در دبیرستان‌های کیخسرو شاهرخ، مشتاق، بهمنیار و پروین اعتصامی تدریس را ادامه داد و در سال ۱۳۶۱خ مفتخر به بازنشستگی شد (همان، ۱۹۰).

پرویز شهریاری: پرویز شهریاری در آذرماه ۱۳۰۵خ در خانواده‌ای دهقان‌زاده و فقیر به دنیا آمد. تحصیل ابتدایی را ابتدا در مدرسه ملی کویانی و پس از آن در مدرسه ایرانشهر پشت سر گذاشت و چون استعداد وافر در علم ریاضیات داشت، از ۱۵ سالگی تدریس ریاضی (حساب و هندسه) را شروع کرد؛ که بیش از ۶۰ سال ادامه یافت. در سن دوازده سالگی پدرش را از دست داد و به‌خاطر وضع بد اقتصادی خانواده، مجبور شد به فکر رفتن به دانشسرای مقدماتی باشد. در سال ۱۳۲۲خ و طی دوره دوساله، موفق به کسب رتبه دوم دانشسرا شد و جهت ادامه تحصیل وارد دانشکده علوم شد و به شیراز رفت و تدریس دروس ریاضی را شروع کرد. پس از یک سال تدریس، به دلیل فعالیت سیاسی از آموزش و پرورش اخراج شد. وی در آذرماه ۱۳۳۵ به زندان افتاد. در همین دوره که یک سال و چهار ماه طول کشید، زبان روسی را از یک خودآموز که برای فرانسوی‌ها نوشته شده بود، فراگرفت و در سال‌های بعد از آن، تنها متن‌ها را از زبان روسی به فارسی ترجمه می‌کرد. سابقه تدریس در دانشکده فنی دانشگاه تهران، مدرسه عالی علوم اراک و دانشسرای عالی؛ و دبیرستان‌های اندیشه، نوباوگان ضرابی، پیشاهنگ، خوارزمی، مرجان و فیروز بهرام را دارد. در سال ۱۳۵۴خ پس از حدود ۴۰ روز زندان به علت مسائل سیاسی، به تدریس در دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها مشغول شد. در اردیبهشت ۱۳۶۲ یک بار دیگر به زندان افتاد که یک سال و سه ماه طول کشید. استاد شهریاری از سال‌ها پیش، روی مسائل جنبی ریاضیات، از جمله تاریخ ریاضیات، کاربرد و فلسفه ریاضی کار می‌کرد. وی بیش از ۲۰۰ جلد کتاب تألیف و ترجمه کرده است. در بین این کتاب‌ها، از کتاب‌های درسی، کتاب‌های ریاضی، جبر، موضوعات نظری ریاضیات، تاریخ ریاضیات و کاربردهای آن، داستان، رمان و زندگینامه‌ها دیده می‌شود. از آخرین کتاب‌های؛ ایشان فلسفه، اخلاق و ریاضیات، خلاقیت در ریاضیات و مهندسی، ریاضیات و هنر، دو جلد مسأله‌های ریاضی را چگونه حل کنیم، آموزش و ریاضی، سرگذشت ریاضیات و سرگذشت ریاضیدانان است. در سال‌های اخیر، همت خود را بر روشن کردن تاریخ ریاضیات و فلسفه آن گذاشته است؛ و حدود ۱۰۰۰ مقاله چاپ‌شده در نشریات مختلف کشور دارد. استاد، سردبیری نشریات زیادی از جمله *آشنایی با دانش، چیستا، دانش و مردم* را به عهده داشته است (همان، ۲۳۵-۲۳۶).

(۷) پرویز شهریاری نیز دیگر در قید حیات نیست و متن مرجع مربوط به سال‌های گذشته است - فصلنامه ایران‌شناسی.



مدرسه ایرانشهر کرمان
(مأخذ: ویکی‌پدیای فارسی)

۵) نتیجه‌گیری

یکی از مؤلفه‌هایی که برای پیشرفت در یک کشور مورد توجه قرار می‌گیرد، مسأله آموزش و پرورش است. با توجه به تغییر ماهیت آموزشی در قرون جدید، ایران عصر قاجار نیازمند جایگزینی مکتب‌خانه‌های سنتی با مدارس نوین بود. پس از ساخت دارالفنون، به تدریج مدارس جدیدی تأسیس شد که در آن تعلیم و تربیت با الهام گرفتن از شیوه‌های نوین غربی رواج داشت.

زرتشتیان که پیش از این با سکوت و کناره‌گیری از اجتماع، آموزش و پرورش را به‌طور سنتی و بیشتر از پدر به پسر منتقل می‌کردند؛ به‌واسطه اصلاحات پارسیان هند، کم‌کم از حاشیه وارد متن جامعه شدند و تلاش کردند در اصلاحات آموزشی جدید، نقشی مؤثر داشته باشند.

این پژوهش بر اساس پرسش «نقش زرتشتیان در آموزش و پرورش دوران معاصر کرمان چه بوده است؟» شکل گرفت. بنا به دیدگاه نگارنده، این فرضیه مطرح شد که زرتشتیان با ایجاد مدارس، حمایت مالی از مدارس و پرورش مدیران و آموزگاران زرتشتی، نقشی مهم در تاریخ آموزش و پرورش کرمان ایفا کردند.

همچنین در پاسخ اینکه «هدف ایشان از ایجاد مدارس در کرمان چه بوده است؟» یافته‌های پژوهش به اثبات فرضیه نگارنده مبنی بر بالا بردن جایگاه اجتماعی زرتشتیان و ترویج فرهنگ زندگی مسالمت‌آمیز در جامعه منجر شد که با توجه به استقبال عامه مردم کرمان از این مدارس و نام نیک زرتشتیان در تاریخ شفاهی کرمان، موفقیت زرتشتیان در این امر به‌وضوح دیده می‌شود.



منابع و مأخذ

الف) کتابها و مقالات

- ادمیت، فریدون؛ فکر آزادی و مقدمه نهضت مشروطیت، تهران: انتشارات سخن، ۱۳۴۰.
- امینی، تورج؛ اسنادی از زرتشتیان معاصر ایران (۱۲۵۸-۱۳۳۸)، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۸۰.
- بار، کای؛ آسموسن، یس پتر؛ بویس، مری؛ دیانت زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن، تهران: نشر ثالث، چاپ دوم، ۱۳۸۹.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم؛ پیر سبزپوشان، تهران: نشر نی، ۱۳۷۹.
- بویس، مری؛ «مانکجی لیمجی هاتریا در ایران»، ترجمه هاشم رضی، چیستا، سال سوم، ش ۶، ۱۳۶۴.
- بویس، مری؛ آیین زرتشت، کهن روزگار و قدرت ماندگارش، ترجمه ابوالحسن تهامی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۶.
- پر خیده، بوذرجمهر؛ تاریخ معاصر زرتشتیان، تهران: انجمن زرتشتیان ایران، ۱۳۸۵.
- دانشور، محمد؛ محله‌های قدیمی شهر کرمان، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۸۸.
- روح‌الامینی، فاطمه بیگم؛ گنجینه (آموزش و پرورش کرمان در آینه تاریخ)، کرمان: مؤسسه آفتاب کرمان، ۱۳۸۴.
- روح‌الامینی، فاطمه بیگم؛ دانشسرای مقدماتی پسران و دختران، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۹۰.
- سایکس، سر پرسی؛ سفرنامه سر پرسی سایکس (ده‌هزار مایل در ایران)، ترجمه حسن سعادت نوری، تهران: انتشارات لوحه، ۱۳۶۳.
- سروشیان، جمشید؛ تاریخ زرتشتیان کرمان در این چند سده، کرمان: چاپخانه شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۱.
- سروشیان، جمشید؛ سوادآموزی و دبیری در دین زرتشت، کالیفرنیا: بینا، ۱۹۸۸.
- شاهرخ، کیخسرو؛ زرتشت پیامبری که از نو باید شناخت، کرمان: فرهنگ، ۱۳۸۶.
- شهمردان، رشید؛ فرزندان زرتشتی، تهران: چاپ راستی، نشریه سازمان جوانان زرتشتی بمبئی، ۱۳۳۰.
- کسروی، احمد؛ تاریخ مشروطه ایران، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴.
- گلاب‌زاده، محمدعلی؛ زن کرمانی روشنای زندگانی، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۹۴.
- نجمی، شمس‌الدین؛ گاهشمار تاریخ کرمان، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۸۱.
- نمیرانیان، کتایون؛ زرتشتیان ایران پس از اسلام تا امروز، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی، ۱۳۸۶.

ب) گفتگو

کاویانی، منوچهر (۱۳۱۲-)؛ مدیر اسبق دبیرستان ایرانشهر، مهر ۱۳۹۷.